



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

نقش کارگران در صحنه سیاست

فاتح بهرامی

در تحولات سیاسی آینده ایران سرنگونی جمهوری اسلامی فرض همه است، اما به همین اندازه نمیتوان با قطعیت درباره نوع حکومت آتی و آنچه که به سر مردم ممکن است بیاید حرف زد. روشن است که خواست اکثریت عظیم مردم سرنگون شدن جمهوری اسلامی و برقراری آزادی و برابری و رفاه در جامعه به جای آن است. اما طبقات و اقشار اجتماعی متفاوت هر یک تلاش میکنند مهر خود را بر این تحولات بزنند تا حکومت آینده نظامی در راستای اهداف و آمال و منافع آنها باشد. بنابراین بسته به اینکه این طبقات و احزاب آنها تا چه حد بتوانند در کشمکش و مبارزه بر سر قدرت سیاسی نقش ایفا کنند، نتایج متفاوتی ممکن است حاصل بشود. اما در اینجا قصد من اشاره ای به نقش طبقه کارگر در تحولات آتی و صحنه سیاست در ایران است، اشاره ای کوتاه به پتانسیل ها و امکانات بالقوه طبقه کارگر و همچنین ضعف ها و کمبودهایی که فعلا با آن روبرو است.

واقعیت اینست که طبقه کارگر هنوز حضور قدرتمند و موثری در صحنه سیاست ایران بروز نکرده است. با وجود این، ترس جمهوری اسلامی از حرکت سراسری و قدرتمند کارگران بحدی است که همواره در دعوای جناحی هر کدام بنوعی "خطر" به حرکت در آمدن کارگران را به دیگری گوشزد کرده است. بالاخره حاکمان اسلامی که امروز تصاویر و منظره های اواخر حکومت شاه با سرعت از جلو چشمانشان رد میشوند، دارند سرنوشت خودشان را با آن رژیم مقایسه میکنند، از نقش کارگران در آرزمان باخبر هستند. میدانند که بالاخره این طبقه کارگر و در پیشاپیش آنها کارگران نفت بودند که کمر رژیم شاه را شکستند. طنین شعار "کارگر نفت ما، رهبر سر سخت ما"، بخصوص امروز که مرگشان را نزدیک میبینند، بیشتر گوششان را آزار میدهد. قدرت اتحاد کارگران را میشناسند و تجربه کرده اند، از اینرو ترسشان از طبقه کارگری که متحد شده باشد بجاست. اما عدم حضور قدرتمند کارگران در صحنه سیاسی به چه معنی است؟ بطور خلاصه به این معنی است که در شرایطی که اقشار مختلف جامعه دارند به اشکال گوناگون به رژیم تعرض میکنند، کارگران هنوز مشغول دفاع از خود هستند، و هنوز نتوانسته اند تعرض به رژیم اسلامی را به پیش ببرند. واقعیت اینست که حتی خیلی قبل از دو خرداد ۷۶ کارگران مرتبا برای دستیابی به خواسته های خود دست به اشکال متفاوتی از اعتراض زده اند. در پنج شش سال اخیر هم تقریبا روزی نبوده که کارگران در گوشه ای دست به اعتراض زده باشند. مساله اینست که بویژه در چند سال اخیر بخش عمده این اعتراضات، که در موارد زیادی هم بلحاظ شکل اعتراض اشکال جدید و میلیتانتی هم داشته است، عمدتا بخاطر پرداخت نشدن دستمزدهای معوقه بوده است. رژیم و سرمایه داران علاوه بر استثمار وحشیانه و تحمیل انواع بی حقوقی به کارگران،

اساس سیاست ما انسان است

حمید تقوائی

سیاسی ممکن است. قدرت سیاسی کلید گذر از نقد جهان موجود به تغییر آنست.

ما قدرت سیاسی را برای زیور رو کردن جامعه طبقاتی و رهایی بشریت میخواستیم، اما این تنها حزب ما نیست که برای تصرف قدرت سیاسی مبارزه میکند. این هدف هر حزب جدی اپوزیسیون است که بقدرت برسد. وجه تمایز ما از دیگر نیروهای اپوزیسیون هدف ما از کسب قدرت و مضمون نظامی است که میخواستیم در ایران برقرار کنیم. اینکه هر حزبی در قدرت چه خواهد کرد و اثباتا چه نوع نظامی را خواهد ساخت بیش از هر چیز از مضمون اعتراض و تقنی که در اپوزیسیون مطرح میکند میتوان دریافت. کسی که صرفا با ولی فقیه دعوا دارد و با اعدام و سنگسار بخاطر علنی بودن این جنایات مخالف است، آنکه با حذف شیروخورشید از پرچم سه رنگ بر آشفته میشود و نگران تمامیت ارضی و بازگرداندن سه جزیره کذائی در خلیج به مام وطن است، نیمه شیخی که تمام رادیکالیسمش در "مرزبندی با شاه و شیخ خلاصه میشود، این نوع منتقلین تغییری در زندگی مردم بوجود نخواهند آورد. نه نقد و اعتراضشان ربطی به درد مردم دارد و نه برنامه و نقشه اثباتیشان برای اداره جامعه به آمل مردم سرنوشت، اساس کار اینها انسان نیست، طبقه و نظامی است که در انقیاد انسانها ذینفع است. حفظ نظام موجود است. پیدا کردن جانی در نظم نوین جهانی است. باز گرداندن ایران به سیستم بانک جهانی و صندوق بین المللی پول است.

نقد حزب ما از جمهوری اسلامی در واقع انتقاد از این نوع مخالفینش هم هست. نمیتوان نقد عمیق و رادیکالی از نظام جمهوری اسلامی داشت اما مخالفین نابیکر آن، نیروهایی که هر یک به نحوی خواهان حفظ ارکان نظام موجودند، را به نقد نکشید. معیار و محک ما در نقد این نیروها، در ایده آنها و برنامه و سیاستهای که مطرح میکنند، در برخوردشان به جمهوری اسلامی و در برخوردشان به مردم، همواره انسان، حرمت و شان انسانی، بوده است و خواهد بود. امروز با در چشم انداز قرار گرفتن سقوط جمهوری اسلامی مساله جایگزینی رژیم به یک مساله محوری در صحنه سیاست

اساس سوسیالیسم انسان است. این جمله کوتاه منصور حکمت صرفا یک شعار و یا حکم نظری نیست، بلکه بیانگر حقیقتی است که از برنامه یک دنیای بهتر تا هر سیاست و حرکت و اقدام تاکتیکی حزب ما بر آن دلالت میکند. اساس برنامه یک دنیای بهتر به شهادت هر بند و پاراگراف آن رهایی و برابری و رفاه انسان است و فلسفه و اساس هر حرکت و مبارزه عملی حزب نیز چیزی جز این نیست. ما در تمام عرصه های مبارزه، از مبارزات صنفی و هرروزه کارگران تا کمپین علیه سنگسار و از دفاع از حقوق پناهندگان و مهاجرین تا مقابله با قتلهای ناموسی در اروپا و از نقد قانون کار ناظر بر "کار ارزان و کارگر خاموش" تا دفاع از حق و حرمت کودکان همه جا پرچم انسان در رهایی انسان را برافراشته ایم. در تمامی این عرصه ها در برابر ارتجاع سرمایه داری معاصر در اشکال سیاسی و مشخص امروزش، در برابر نظم نوین جهانی و دموکراسی بازار آزاد و اسلام سیاسی و ناسیونالیسم و قومپرستی ایستاده ایم.

دفاع از حق و حرمت انسانها نه تنها در برنامه و سیاستهای حزب بلکه در بهبود و ارتقای زندگی انسانها همین امروز، در تحقق عملی یک دنیای بهتر در هر سطح و حیطه ای که ممکن است، نیز اساس و راهنمای کار ما بوده است. ما تنها حزبی هستیم که در اپوزیسیون نیز منشا اثر بوده ایم. هزاران پناهنده و مهاجر ایرانی در آمریکا و اروپا، هزاران زن تحت ستم مذهب و ارتجاع ناسیونالیسم کرد در سلیمانیه، آزادیخواهان معترض به قتلهای ناموسی و دختران خردسال قربانی نسبیت فرهنگی در سوئد و دانمارک، و هزاران آزادیخواهی که در سراسر دنیا از کمپین ما علیه سنگسار حمایت کرده اند و میکنند بر این حقیقت شهادت خواهند داد. ما تا آنجا که در توان یک حزب اپوزیسیون است زندگی انسانها را بهبود بخشیده ایم.

اما این دستاوردها همه محدود و موقت و برگشت پذیرند. در اپوزیسیون نمیتوان تغییرات عمیق و پایدار در زندگی ملیونها انسان بوجود آورد. این امر، تحقق تمام و کمال برنامه یک دنیای بهتر و رفاه و برابری و آزادی انسانها در کل جامعه، تنها با تصرف قدرت

ایران تبدیل شده است و همه احزاب و نیروهای سیاسی در قبال آن موضع گرفته اند. در این عرصه نیز محک و معیار ما رای و اراده و منافع مردم است. از نقطه نظر حزب ما راه متعارف عملی و سر راست و سریع اعمال رای و نظر مردم در تعیین نظام آتی انقلاب است. انقلاب تجلی مستقیم و صریح عزم و اراده توده عظیم مردم برای تعیین حکومت است. این عملی ترین و در عین حال دموکراتیک ترین راه برگزینی جمهوری اسلامی و استقرار نظام مطلوب مردم است، و دقیقا بهمین دلیل شیوه مطلوب حزب ما نیز در تعیین نظام آتی انقلاب است. هرچه اعمال اراده و دخالت مستقیم مردم در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی وسیعتر و متشکل تر و همه جانبه تر باشد به همان درجه امکان تعیین تکلیف رادیکال و تمام و کمال با نظام موجود و برقراری جمهوری سوسیالیستی بیشتر خواهد بود. و باز دقیقا بهمین دلیل اپوزیسیون راست، همانند اپوزیسیون دوحزده، در مقابل انقلاب ایستاده است. این نیروها نه تنها در طرح رفتارنوم بلکه با تر نافرمانی مدنی و برحذر داشتن مردم از خشونت در مبارزه با جمهوری اسلامی در واقع به مقابله با انقلاب برخاسته اند و کاملا طبیعی و قابل انتظار است که چنین باشد. مردمی که برای آزادی و رهایی انقلاب کرده اند را با شاه و تمامیت ارضی و پرچم سه رنگ و اسلام سرخ جودی و یا نظامهای ملی مذهبی کمی بهتر از وضع موجود نمیشود به خانه فرستاد. طبیعی است که راه رسیدن به آرمان و اهداف سیاسی ای که انسانیت از آن غایبست نه نیروی آگاه و متشکل مردم، بلکه مقابله با این نیرو باشد.

در مقابل، حزب ما همواره بر نیروی آگاه و متشکل مردم تاکید و تکیه کرده است. مصوبات اخیر دفتر سیاسی، قطعنامه در مورد حق مردم در تعیین نظام آتی و منشور آزادیهای سیاسی، اتکا به نیروی آگاه و متشکل مردم را مبنای شیوه تعیین نظام آتی حکومتی در ایران قرار میدهد. این اسناد اعلام میکنند که نمایندگان شوهرها و منشور آزادیهای سیاسی پیش شرط تضمین حق مردم در تعیین نظام آتی است. ما در این اسناد مساله شیوه تعیین حکومت از مضمون و محتوی حکومت جدا کرده ایم. البته در دنیای واقعی همانطور که در بالا توضیح داده شد این دو کاملا به یکدیگر مربوطند، اما طرح جداگانه آن به ما اجازه میدهد اتکا و اعتقاد خود را از یکسو به رای و



آزادی، برابری، حکومت کارگری!



انترناسیونال هفتگی
بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران
سردبیر: فاتح بهرامی
haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۴۱
۲۰ دی ۱۳۸۱
۱۰ ژانویه ۲۰۰۳
جمعه ها منتشر میشود
www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب
Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

نقش کارگران

دستمزد توافق شده را به کارگر نمی‌دهند و در نتیجه انرژی و توان کارگران برای گرفتن حقوق هایشان مصرف شده است. از این جهت است که کارگران را در موقعیتی قرار داده اند که برای دفاع از خود و دفع این حمله ضد انسانی و ضد کارگری رژیم و کارفرما به اشکال مختلف اعتراض، از بستن جاده و تحصن و راهپیمایی تا اعتصاب و درگیر شدن با نیروی سرکوب و غیره، روی بیاورند. واقعیت اینست که عدم پرداخت دستمزدهای معوقه ضربه ای به کل کارگران زده است.

اما وضعیت اتحاد و تشکل کارگران طوری است که علیرغم اینکه هر روز در چند گوشه ایران کارگرانی مشغول اعتراض هستند، اما بخش زیادی از این مبارزات به نتایج مهمی نرسیده اند. بعنوان مثال در مورد دستمزدهای معوقه بعد از اعتراضات وسیع و دوندگی های کارگران مثلا دو ماه حقوق را می‌دهند و سه ماه بعد دوباره نمی‌دهند. در نهایت میشود گفت کمتر کارخانه ای است که از زمان به تعیین انداختن حقوق کارگران تا امروز بطور کامل این مشکل را حل کرده باشد. یک فاکتور مهم در ایجاد این وضعیت قطعا موقعیت کارگران به لحاظ تشکل است. امروز مهمترین معضل طبقه کارگر ایران تشکل است. قدرت کارگر در تشکلش است و نبود تشکل سراسری کارگران باعث شده که طبقه کارگر از اعمال قدرت طبقاتی اش، حتی برای دفاع از خواسته ها و مطالبات اقتصادی خود، محروم باشد. مانع اصلی در مقابل کارگران برای ایجاد تشکل های واقعی خود کارگران اساسا جمهوری اسلامی بوده است. شوراها و اسلامی و خانه کارگر که در این سالها در مقابل کارگران قرار داده شده اند نقششان برای کارگران بعنوان نهادهای ضد کارگری روشن است. این نهادها یک عامل بازدارنده در مقابل کارگران برای ایجاد تشکل های واقعی بوده اند. از طرف دیگر در چند سال اخیر بعد از دو خرداد، در متن دعوا و رقابتهای جناحها بر سر کنترل جنبش کارگری مباحث دیگری حول تشکل و تغییر قانون کار فعال شده اند که در اینجا امکان بررسی آنها نیست. فقط اینرا اشاره کنم که بحث تشکل در متن رقابتهای جنبه مشارکت و جریان خانه کارگر و شوراها و اسلامی ای تبدیل شده که نوعی میتوان گفت که اساس تشکل های دولتی موجود بیشتر زیر ضرب قرار گرفته اند. جنبه مشارکت قصد دارد شوراها و اسلامی را حاشیه ای کند و انجمن های صنفی ای درست کند که سازمان جهانی کار آنرا برسمیت بشناسد و جریان خانه کارگر و شوراها و اسلامی و حزب کار اسلامی میخوانند جلو اینکار را بگیرند. اخیرا هم نامه اعتراضی تعدادی از نمایندگان کارگران نفت خطاب به دو نفر از نمایندگان سازمان جهانی کار در ایسنا منتشر شده که در واقع اعتراض به برسمیت شناخته شدن دو تا از انجمن های صنفی جنبه مشارکت بعنوان تشکل های مستقل کارگری است. درباره جزئیات مسائل مربوط به تحرک جناحها و مضمون کتاب آنها

درباره جنبش کارگری بعدا میشود صحبت کرد. اما نکته ای که بنظم اهمیت دارد اینست که مستقل از اهداف و داد و قال های خانه کارگر و جنبه مشارکت درباره مسائل کارگران، این دو جریان دو خردادی جزو حرکتی هستند که به انتها رسیده و مفتضح شده اند. اگر دو خرداد هم بهمه کل رژیم رفتنی است، دیگر طرح و برنامه آنها هم درباره کارگران اهمیتی ندارد. جدالهایی که اینها با همدیگر دارند در سطح علنی و دولتی نهادهای ضد کارگری کنونی را بیش از پیش نامعتبر کرده و بحث تشکل را دوباره باز کرده است. در این شرایط کارگران میتوانند و باید روی تشکل های خودشان تاکید کنند و اقدام به برپائی آنها بکنند. مجامع عمومی کارگری لازم است در سطح وسیعی از کارخانه ها و محیط های کارگر بطور منظم برپا شود و به همدیگر متصل شوند.

بالاخر اشاره کردم که طبقه کارگر امروز حضور قدرتمندی در صحنه سیاست ندارد. دلیل این در درجه اول عدم تشکل است. اما در مقابل باید به شرایط امروز هم توجه کرد. وضعیت درب و داغان رژیم و پیشروی جنبش سرنگونی و ضعیف شدن قدرت رژیم در مجموع فضا را به نفع کارگران برای به میان آمدن فراهم تر کرده است. حرکتی ای مانند اعتراضات مشترک و سازماندهی شده چند کارخانه با همدیگر، و همچنین پشتیبانی وسیع مردم کوچه و خیابان از مبارزات و اعتراضات کارگری نمونه هائی هستند که روحیه و فضای متفاوتی را نشان میدهد. اما علاوه بر این نکته مهم که فضای سیاسی جامعه در جهت پیشروی مردم و کارگران است، یک نکته اساسی هم اینست که وضعیت وخیم اقتصادی و معیشتی کارگران در شرایط امروز هیچ چشم اندازی برای بهتر شدن ندارد مگر اینکه کارگران برای تغییر آن دست بکار شوند. در غیر اینصورت وضعیت کارگران هر روز بدتر میشود، همچنانکه تاکنون چنین بوده است. از اینرو طبقه کارگر اگر بخواهد وضعیت خود و جامعه را تغییر دهد باید به میدان بیاید. اما کارگران فقط وقتی میتوانند خود را آزاد کنند که کل جامعه را آزاد نمایند. اگر طبقه کارگر پرچم آزادیخواهی را بدست بگیرد، و اگر کارگران پرچمدار مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه زنان و جوانان باشند، در اینصورت میتوانند بعنوان رهبر مبارزات آزادیخواهانه جامعه از پشتیبانی وسیع توده مردم برخوردار باشد. قدم اول و اساسی در این راه ایجاد تشکل سراسری کارگران است، باید به جنبش مجامع عمومی دامن زد.

در انتها لازم است به یک نقطه قدرت طبقه کارگر مثلا در مقایسه با شرایطی که کارگران در انقلاب ۵۷ داشتند اشاره کنم. این نقطه قدرت وجود حزب کمونیست کارگری است که در آنزمان وجود نداشت. در واقع امروز طبقه کارگر مشکل حزبی را ندارد، حزبی بزرگ، اجتماعی، روشن و با برنامه فعال در صحنه سیاسی ایران حضور دارد. این حزب طبقه کارگر، و تمام مردم آزادیخواه ایران است. آرزوی که طبقه کارگر با ایجاد تشکلهای توده ای خود و با اتکا به حزب خود به صحنه سیاسی پا بگذارد، شانس پیروزی آزادیخواهی و برابری طلبی در جامعه بطور جدی افزایش مییابد.

کارگران و دستمزد

کازم نیکخواه

حتی وضع از اینکه هست بدتر خواهد شد، همانطور که بدتر شده است. تورم در چند سال گذشته باعث شده است که دستمزد کارگران بطور واقعی نه فقط افزایش نیابد بلکه کاهش یابد.

افزایش جلی حداقل دستمزدها امر همه کارگران است. این افزایش باید حداقل به میزانی باشد که زندگی عمومی کارگران را به سطح استاندارد متوسط جامعه برساند. کارگران نباید از هیچ بخشی از جامعه حقوق و دستمزدی کمتر دریافت کنند. کارگران نباید آنچنان که معمول است قشر فقیر جامعه را تشکیل دهند. کارگر باید بتواند انسانی زندگی کند. حداقل دستمزد نه فقط باید به سطح استاندار متوسط جامعه برسد، بلکه هرسال بدون استثنا متناسب با تورم افزایش یابد.

کارگران در عین حال خواهان این هستند که مرجع تعیین دستمزد و افزایش سالانه آن، نمایندگان منتخب کارگران باشند و نه کارفرمایان و دولت آنها. هیچکس بیش از خود کارگران و نمایندگان منتخب آنها صلاحیت تعیین میزان دستمزد را ندارد. کارگران باید پیشروی و قدرت خود را با مبارزه برای به کرسی نشاندن حق تصمیم گیری نمایندگان منتخب کارگری در حد توان تثبیت کنند.

روشن است که وضعیت معیشتی فعلی کارگران در ایران به بهبودی جدی و اساسی نیاز دارد، و این تنها با مبارزه ای متحد و سراسری برای عقب راندن دولت اسلامی و کارفرمایان میسر است. مبارزه برای افزایش دستمزد ها امر همه کارگران است. این مبارزه ای است بحق و مشروع، با قابلیت بسیج میلیونها کارگر در صفی واحد و خواستی واحد که بر کل موقعیت طبقه کارگر در برابر دولت و سرمایه داران تاثیراتی اساسی میگردد و فضای کل جامعه را متحول و دگرگون میسازد. کارگران کمونیست و آگاه بیشک میتوانند بیشترین نقش را در به جریان انداختن جنبشی رادیکال و سراسری برای چنین تحولی ایفا کنند.

گلوله و زندان و شکنجه ندارد. و این چندین میلیون نفر هم راهی جز به زیر کشیدن این حکومت پیش رویشان نیست. وقتی حتی سخن گفتن از سه برابر و چهار برابر کردن دستمزد کفر باشد، روشن است که برای زنده ماندن و زندگی کردن راهی جز کنار زدن این حکومت و کل سلطه سرمایه دارانی که در سایه چنین حکومتی دارند بسرعت پرواز میشوند، نمیتواند وجود داشته باشد. چرا کارگر باید به گرسنگی و فقر و محرومیت خود و فرزندانش رضایت دهد؟

دستمزد ها باید فوراً و بطور اساسی افزایش یابد!

حتی دستمزد ماهرترین کارگران در بخشهای صنعتی در سال جاری چیزی در حدود ۱۵۰ تا ۲۵۰ هزار تومان در ماه بیشتر نیست. این کارگران برای پاسخ گویی به نیازهای اولیه زندگی خود و فرزندانشان ناچارند به اضافه کاری مداوم و یا به کارهای دوم بپردازند. در شرایط تورم افسار گسیخته و بی مهار که بسیار بیش از آن چیزی است که بانک مرکزی و حکومت اسلامی اعلام میکنند، دستمزد هیچ بخشی از کارگران پاسخگویی نیازهای اولیه و اساسی آنها نیست. برای نمونه تامین مسکنی پائین تر از متوسط عملاً دوسوم دستمزد را می بلعد.

با توجه به همه این واقعیات روشن است که دستمزد کارگران باید بسیار بیش از آنچه جمهوری اسلامی و کارفرمایان حاضرند به آن تن دهند، افزایش یابد. افزایش دستمزد امر میرم همه کارگران است. رساندن دستمزدها به سطحی حتی نه قابل قبول ولی قابل تحمل، به مبارزه ای جدی و متحد نیازمند است. بدون این مبارزه روشن است که تکانی ایجاد نخواهد شد. تغییری در اوضاع ایجاد نخواهد شد.

⇒ اساس سیاست

نظر مردم در تعیین حکومت و از سوی دیگر به استقبال توده مردم از اهداف و آرمانهای انسانی حزب و جمهوری سوسیالیستی اعلام داریم. ما عمیقاً معتقدیم در شرایطی که مفاد منشور آزادیهای سیاسی قانونا و یا دوقاکتو در جامعه متحقق شده باشد مردم جمهوری سوسیالیستی را انتخاب خواهند کرد. از اینرو مفاد منشور و اتکا ما به نمایندگان شوراها و شوراها مردم صرفاً یک تاکتیک که مناسب با شرایط روز انتخاب شده نیست، بلکه جزئی از استراتژی و برنامه همیشگی مبارزاتی ماست. ما بخاطر اهداف و سیاستهایمان، بخاطر مضمون و محتوای حکومتی که مطرح میکنیم به آزادی و به دخالت آگاهانه و آزادانه مردم متشکل نیازمندیم. و از اینرو تعهد ما به منشور آزادیهای سیاسی و به شوراها برنامه ای و اصولی است. شوراها و منشور آزادیهای سیاسی مردم را درصحنه نگاه میدارد، راه را بر کودتا و بند و بست از بالا مینبندد و از لاینزیر شدن جامعه جلوگیری میکند. فراخوان ما به احزاب دیگر نیز در همین چارچوب اصولی و پایه ای قرار

بنیاد منصور حکمت تقدیم میکند:

پخش فیلم سخنرانی منصور حکمت در تلویزیون

به تقاضای علاقمندان، فیلم سخنرانی منصور حکمت تحت عنوان آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود که در مارس ۲۰۰۱ در انجمن مارکس لندن ارائه شد، روز جمعه ۲۷ دیماه برابر با ۱۷ ژانویه از تلویزیون کانال ۱ پخش میشود. ساعت پخش فیلم ۴ و نیم تا ۶ و نیم بعد از ظهر بوقت تهران برابر با ۲ تا ۴ بعد از ظهر بوقت اروپای مرکزی است.

علاقتمندان را بدیدن این فیلم دعوت میکنیم. لطفا تاریخ و ساعت پخش این فیلم را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

بنیاد منصور حکمت

آذر ماجدی

۱۷ دیماه ۱۳۸۱ _ ۷ ژانویه ۲۰۰۳

اگر همه میگیرند مردم باید انتخاب کنند، آتوق روشن است که آزادیهای سیاسی باید مورد پذیرش همه باشد. حزب ما با انتشار منشور یکبار دیگر مردم را در محور سیاست قرار داد.

دارد. هر نیروی سیاسی مدعی احترام به رای و نظر مردم قاعدتا باید از منشور آزادیهای سیاسی استقبال کند. هر نیروی سیاسی اپوزیسیون مستقل از نوع حکومت و نظامی که میخواند باید به شرایط آزاد مبارزه سیاسی متعهد شود.